

حتی اگر خدا رو هم قبول نداری بهترین ایسم برای زندگی دنیوی ، اسلام است .

حکمت‌ها و اندرزها، جلد ۱



خداشناسی نه فقط اول دین است، اول پایه و مایه انسانیت است. انسانیت اگر بنا بشود روی اصل پایداری بنا شود باید روی اصل توحید ساخته گردد. ما یک سلسله امور را به عنوان «حقوق انسانی» یا «شئون انسانی» نام می‌بریم، می‌گوییم انسانیت حکم می‌کند که رحم و مروت داشته باشیم، نیکوکار باشیم، از صلح و آرامش حمایت کنیم، نسبت به جنگ ابراز تنفر کنیم، به بی‌بضاعتها و بیمارها و مجروحین و مصدومین و درماندگان کمک کنیم، به هموعان خود آزار نرسانیم، بلکه در راه خدمت به نوع فداکاری کنیم، جانفشانی کنیم، عقیف و باتقوا باشیم، به حقوق دیگران تجاوز نکنیم. همه اینها درست است و واقعاً هم باید اینچنین بود، اما اگر از ما بپرسند که منطق این دستورها و فلسفه‌ای که ما را قانع کند که منافع شخصی خود را فدای این امور کنیم و متحمل محرومیت بشویم چیست، آیا می‌توانیم با چشم پوشی از مسئله خداشناسی جوابی بدهیم؟ اینها همه به اصطلاح معنویات است و در جهت مخالف مادیات و منافع فردی است. سرسلسله معنویات خداشناسی است. ممکن نیست از سرسلسله معنویات و از ریشه و بن و سرچشمه آنها چشم بپوشیم و آنگاه بتوانیم اصول معنوی داشته باشیم؛ و از طرفی حتی مادیت‌های مسلک‌های جهان چاره‌ای ندارند از اینکه سازمان اجتماعی خود را بر یک سلسله اصول معنوی و شرافتهای اخلاقی بسازند.

انسانیت از خداشناسی نمی‌تواند جداگردد. یا خداشناسی است و یا سقوط در حیوانیت و منفعت پرستی و سبُعیّت و درندگی. منفعت پرستی به معنی واقعی کلمه یعنی اینکه آدمی واقعاً بنده شهوت و شکم بوده باشد. یا باید بنده خدا بود و یا بنده شکم و دامن و جاه و مقام و پول و زر و زیور، راه سوم ندارد. اما اینکه کسی مدعی شرافت و اخلاق و تقوا و عفت باشد و در عین حال به خداشناسی که سرسلسله این امور است ایمان و اعتقاد نداشته باشد، وهم باطلی بیش نیست.

امام موسی صدر : دین پیش از آنکه توشه‌ای برای آخرت باشد، والاترین وسیله برای زندگی است.



ایسم چیست؟

مجموعه‌ی ایده‌ها و تئوری‌های برگرفته از اندیشه‌ی بشری برای نحوه‌ی زندگی کردن بشر و اداره‌ی جوامع بشری ، را ایسم می‌گویند.

فرض در این مقاله این است که خدا را قبول نداریم و اسلام ایسمی از پیامبر اکرم است.
(العیاذبا...)

در این مقاله می‌خواهیم نظر سه مکتب فکری را در سه مولفه‌ی مهم جوامع بررسی کنیم. عبارت دیگر می‌خواهیم نظر مکتب اسلام، مکاتب غربی و مکاتب کمونیستی در مورد سه مولفه‌ی مهم و اساسی جامعه یعنی حکومت ، خانواده و مقوله‌ی ایثار و فداکاری برای دیگران ، را بررسی کنیم.

حکومت

مقایسه‌ی سه مکتب یاد شده در مورد " حکومت " و بررسی برخی دیگر از مکاتب :

- ایدئولوژی و آرای کمونیستی در مورد حکومت:

⚠ بررسی آرای اسلام و غرب در بخش نقد و بررسی مورد ۱

کمونیسست ها در مکتب خود طرفدار تئوری ایجاد جامعه‌ی سوسیالیستی هستند یعنی ایجاد برابری و مساوات اجتماعی .

۱-۱: وضعیت اقتصاد در حکومت مورد نظر کمونیست‌ها :

برابری اجتماعی اولین بار با برابری در حقوق اقتصادی بیان شد که از آن به " مالکیت اقتصادی " یاد می شود .

یعنی اینها مالکیت اشتراکی در اقتصاد را قبول داشتند به عبارت دیگر می گفتند :

- حقوق یک کارگر با حقوق صاحب کارخانه باید از منافع و سود کارخانه برابر باشد و اینگونه نیست که صاحب کارخانه سود بیشتری ببرد. (البته کارخانه را به زور از مالکیت صاحبش بیرون می آوردند و به طور مساوی بین تعداد کارگران و صاحب کارخانه تقسیم میکردند.

با این کار عملاً کارگران پول بیشتری کسب می کردند و سطح رفاه آنها بالاتر می رفت و از طرفی چون نیمی از جهان از آفریقا تا چین گرفته در فقر بودند و اکثراً کارگر و برده بودند این تئوری باعث افزایش حقوق آنها و آزادی آنها از برده داران می شد زیرا دیگر مالکیت اختصاصی وجود نداشت و طرف نمی توانست ادعا کند که این کارخانه مال من هست و من باید سود بیشتری ببریم یا این فرد برده‌ی من است، دیگر مال من معنا نداشت. از این لحاظ بسیار جالب به نظر می رسید.)

- عدالت اقتصادی کمونیست به معنای مساوات هست، یعنی همه برابrand و دارای حق مساوی هستند.

نقد و بررسی :

- عدالت به معنای مساوات نیست، فرض کنید در یک کلاسی عده‌ای درس خوانده‌اند و عده‌ای درس نخوانده‌اند بعد معلمی بیاید به همه نمره‌ی یکسانی دهد. در امور اقتصادی بالاخره صاحب کارخانه تجهیزات را آورده، مدیریت فروش را دارد، در صورت ضرر باید او جبران مافات کند. البته نباید واقعاً بیش از حد سود ببرد و در حق دیگران ظلم کند ولی طبیعی است قدری بیشتر

از دیگران باید به او حقوق داد زیرا تکالیف بیشتر و مسئولیت بیشتری از جهت کیفیت و گاهی حتی از نظر کمیت دارد.

- عدالت در مکتب اسلام به معنای اعطای حق بر اساس شایستگی است.

- عدالت در مکتب غربی در عمل نیز به همین معنای اسلام است.

⚠️ البته به شرط اینکه اگر در مورد اعطای حق صاحب کارخانه زیاده روی نشده باشد و عملاً صاحب کارخانه ای نیاید از کارگران سوء استفاده کند و حقوق کارگران بسیار کم باشد که در حق آنها ظلم شود.

- کمونیست مالکیت اشتراکی را به رسمیت می‌شناخت و قائل به اقتصاد دولت‌محور است یعنی همه‌ی کارخانه‌ها تحت نظر دولت باشند و دولت سیاست‌ها و اداره‌ی آنها را به عهده داشته باشد و هیچ کس حق ندارد کارخانه‌ی اختصاصی خود را داشته باشد و دولت با سود کارخانه به همه‌ی مردم حقوق می‌دهد یعنی سهامی عام.

- در عمل، در اقتصاد دولت‌محور، شوق و نشاط برای کار بیشتر و بازدهی نیست؛ زیرا فرد می‌گوید به من چه مربوط است که ضرر کنیم یا نفع ببریم این مال دولت است، ما که حقوق ثابت خودمون رو داریم و اقتصاد از نشاط می‌افتد از طرفی سوء استفاده از مال دولت صورت می‌گیرد و عده‌ای کم کار می‌کنند یا به دزدی در مال دولت دست می‌زنند.

- ولی اسلام و غرب هر دو مالکیت فردی و اختصاصی را به رسمیت می‌شناسند و قائل به خصوصی‌سازی در اقتصاد است. (سهامی خاص)

- در اقتصاد خصوصی فرد، سود و سرمایه مال خودش است و نمی‌آید از مال خودش دزدی کند.

و در صورت اختیار صاحب کارخانه به کارگران وعده می‌دهد که در صورت سود بیشتر به کارگران حقوق بیشتری می‌دهد و تولید بیشتر برابر است با سود بیشتر کارگر و نشاط و افزایش فعالیت در آن هست.

(ولی متاسفانه در غرب این مالکیت اختصاصی و احترام به حقوق مردم پا را از عرصه‌ی اقتصاد فراتر نهاده و وارد این شده است که مردم در حکومت هم حق مالکیت خصوصی دارند به این معنا که حکومت باید آن طوری باشد که مردم دوست دارند یعنی نحوه‌ی حکومتداری نیز به آراء و نظر مردم باید باشد که در جای خود بررسی می‌شود.)

۱-۲: وضعیت حاکم و ساختارهای اداره‌ی اجتماعی در حکومت مورد نظر کمونیست‌ها:

در نظام کمونیستی اینکه شخصی باید حاکم باشد مورد تردید نیست ولی نظامی کمونیستی که ادعای برابری اجتماعی برای مبارزه با رفع تبعیض داشت به حکومت استالینی ختم شد که عملاً دیکتاتوری را به خرج می‌دهد و عملاً دست به استبداد می‌برد.

بررسی ساختار خانواده (ازدواج و فرزند آوری) در بین نظام های کمونیستی، اسلامی و غربی:

آرای کمونیستی در باب خانواده :

⚠ بررسی نظر اسلام و غرب در نقد و بررسی

تئوری مالکیت اشتراکی کمونیستی از اقتصاد پا را فراتر نهاد و به مالکیت اشتراکی در خانواده و اخلاقیات هم رسوخ کرد .

یعنی روابط زناشویی در مکتب کمونیستی به این صورت بود که یک زن دیگر متعلق به یک مرد نبود و همه میتوانند با این زن رابطه داشته باشند. یعنی به نوعی به روابط آزاد زناشویی معتقد بودند.

- نظر غرب نیز در مورد روابط زناشویی همین آزاد بودن روابط است ولی دیده می‌شود کسانی که تشکیل خانواده به صورت اسلامی می‌دهند مورد تحسین هستند.

- نظر اسلام در مورد خانواده اختصاص زن به مرد است و زن نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند یا رابطه داشته باشد. از طرفی مرد هم نمی‌تواند با زن دیگری رابطه‌ی آزاد داشته باشد و به

شرط شرایط عدالت بین زنان میتواند با ۴ تا زن ازدواج کند. (البته شرط عدالت مهم است و نباید از روی هوی و هوس باشد.)

نقد و بررسی روابط آزاد زنا شویی :

۱- آسیب روابط آزاد زنا شویی چیست ؟

۲- چرا یک مرد می تواند با ۴ تا زن ازدواج کند ولی یک زن نمی تواند با ۴ تا مرد ازدواج کند ؟

پاسخ ۱ :

در روابط آزاد زناشویی آسیب های زیر است :

- نبود آرامش جنسی: یعنی این خانم یا مرد معلوم نیست با چه کسان دیگری رابطه داشته و به راحتی بیماری های جنسی انتقال پیدا می کند. (شاید کسانی بگویند امروزه وسیله ای را برای مردان گذاشته اند تا در عین نزدیکی بیماری زن یا مرد به هم انتقال پیدا نکند. در پاسخ باید گفت در این حالت فرزند آوری و بحران جمعیت رخ میدهد که در جلوتر پاسخ داده میشود .)

- نبود آرامش روانی: یعنی وقتی یک مرد و زن تمام عواطفشون بین هم دیگه تقسیم شده بهتر از حالتی است که زن هیچ حامی مشخصی نداشته و مدام با اخلاقیات متعارض مرد های گوناگون رو در رو. در این مورد عواطف یک زن باید بین تعداد زیادی مرد تقسیم شده و عملاً عواطف تقسیم همیشه ...

- زن در ایام حیض از لحاظ روانی در سطح پایین حوصله هست و مرد غریبه که این رو درک نمی کند.

ولی شوهر خودش میگه : خب خانم من که همیشه اینجور نیست الان شرایط خاصی پیش اومده و زود از دست زنش رنجیده نمیشه. از طرفی مرد مسلمان با اسلام واقعی میگوید اسلام در این ایام حیض به من هم اجازه ی نزدیکی نمی دهد پس من بیخود اعتراض نکنم به خانم که چرا حوصله ی نزدیکی نداری.

- در این روابط آزاد پس از رابطه ، زن حامل فرزندی می شود که باید خود زن بار مالی فرزند را به دوش بکشد چرا که مرد غریبه که تقیدی نسبت به آن زن ندارد بی خیال زن و فرزند شده و آنها را رها می کند و می رود.

در برخی موارد مادر هم فرزند را رها می کند و آسیب های اجتماعی مربوط به کودکان تک والده یا بی والدین پیش می آید .

- خانم ها پس از مدتی دچار مشکلات جنسی می شوند و دیگر توان دائم داشتن رابطه با مردان را ندارند. (نزدیکی بین زن و مرد همیشه هم لذت آور نیست و پس از مدتی هم دستگاه جنسی و هم میل شخصی کاهش پیدا می کند.)

و شوهر اون درک می کند که این همان خانمی هست که تا دیروز به شوهرش خدمت می کرده ولی مردی که تقیدی ندارد این را درک نمی کند. از طرفی مرد مسلمان با اسلام واقعی طبق احکام اسلامی حق ندارد خانمش را به این بهانه طلاق بدهد زیرا اسلام نگاه ابزاری به فرد ندارد بلکه به مرد اجازه می دهد زن دیگری اختیار کند و همچنین مرد حق ندارد خانمش را به بهانه ای اینکه دیگر توان نزدیکی را ندارد رها کند، بلکه وظیفه دارد تا آخر عمر از زن حمایت مالی کند. لذا در کشورهای اسلامی می بینیم که چه خانم های با سن بالایی که در ایام پیری و بیماری نیز حامی دارند.

- خانمی که با رابطه ای آزاد زناشویی زندگی می کند هر قدر هم که پول در بیاورد ایامی هست که بی پول شود مثلاً بیمار شود یا پیر شود. غرب برای این کار روند بیمه و حمایت بیمه را تعبیه کرده و اسلام حمایت مالی شوهر از زن را.

ولی نقد اینجاست چرا غرب حمایت طبیعی را که با نگاه اسلامی هست را حذف می کند و دوباره خودش مجبور می شود حمایت مصنوعی ایجاد کند!

(گاهی سؤال اینجاست خود اسلام چه خلأ دارد که انسان می خواهد دینش را رها کند. بعضی اوقات دیده میشود فرد چیزی را میخواهد که در اسلام هم هست فقط حالت مشروع.)

بررسی فقدان فرهنگ فرزندآوری و بحران جمعیت :

در همه‌ی کشورها چه غربی و چه شرقی، چه مسلمان و چه کافر حاکمان سعی می‌کنند مردم جامعه را تشویق کنند تا فرزند آوری داشته باشند زیرا در غیر اینصورت :

- یا جمعیت کشور پیر می‌شود و نسل جوان تولید نمی‌شود.

- یا جمعیت کشور کم می‌شود.

در هر دو حالت خطرات زیر جامعه را تهدید می‌کند :

- کمبود نیروی کار و تولید و وابستگی به کشورهای دیگر ... (زیر بار دیگران هم ممکن است بروند.)

- کمبود نیروی‌های نظامی و کاهش توان دفاعی نسبت به دیگران که پر جمعیت‌اند پس خطر تجاوز به کشور افزایش می‌یابد. زیرا ممکن است برخی کشورها به فرزندآوری توجه داشته باشند و جمعیت خود را افزایش دهند.

. اخیراً - در حدود سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ - در چین با اون جمعیت زیاد قانون تک فرزندی را بر داشتند. در آلمان به ازای هر فرزندی حمایت‌های مالی زیادی به عنوان تشویق می‌دهند.^(۱)

پاسخ سؤال ۲ :

۲- چرا یک مرد می‌تواند با ۴ تا زن ازدواج کند ولی یک زن نمی‌تواند با ۴ تا مرد ازدواج کند ؟

- فرض کنید خانمی از مرد اول باردار شود، خانم‌ها در ایامی که باردار می‌شوند دیگر قابلیت باردار شدن دوباره را ندارند پس مرد دوم باید صبر کند برای فرزندآوری تا خانم وضع حمل کند (مرد دوم باید ۹ ماه صبر کند، مردم چهارم باید ۲۷ ماه صبر کنند) تازه اینگونه هم نیست که خانم بلافاصله پس از وضع حمل اول میل به نزدیکی و وضع حمل بعدی داشته باشد چرا که وضع حمل برای خانم‌ها با درد و ضعف روانی بسیاری همراه است.

^۱ در پیوست آخر جزوه متن کامل کمک مالی دولت آلمان برای تشویق به فرزند آوری را ببینید

- اگر کسی بگوید ما که فرزند نمی‌خواهیم همان مشکل بحران جمعیت مطرح می‌شود.
- مردها در جنگ بیشتر از زنان شرکت می‌کنند و در نتیجه مردها بیشتر جان خود را از دست می‌دهند تا خانم‌ها.

بررسی عنصر ایثار و فداکاری در بین نظام‌های کمونیستی، اسلامی و غربی :

اهمیت بررسی عنصر ایثار و فداکاری به جایی بر می‌گردد که یک کشور همواره به خطر تجاوز جنگی روبرو هست.

- بررسی فداکاری در مکتب کمونیست و بررسی آرای اسلام و غرب در نقد و بررسی :

نظام کمونیست بر اساس مادیگرایی (ماتریالیسم) بنا نهاده شده بود و اعتقاد داشتند که خدا و جهان آخرتی در کار نیست. یعنی اعتقاد داشتند زندگی یک فرد با مرگ از بین می‌رود و دیگر لذات و استفاده‌های دنیوی و انتفاع از دنیا با مرگ خاتمه پیدا می‌کند.

خب حال فرض کنید جنگی پیش آمد :

- یک فرد کمونیست به خود می‌گوید مگر نه اینکه من با مرگ دیگر نمی‌توانیم لذات خود از دنیا را ادامه دهم چرا من باید بروم و بمیرم. اگر تساوی است یا همه باید با هم برویم بجنگیم یا هیچ کدام نرویم (که هر دو نظر عملیاتی نبود).

پس در زمان جنگ فرد می‌گوید چرا من باید خودم را از دنیا محروم کند. (دنیای دیگری هم در کار نیست که من بتوانم لذات خود را ادامه دهم یا به من بخاطر فداکاری پاداش دهند).

لذا می‌بینیم بعداً آمدند در مکتب سوسیالیسم یک سری روابط و تقیدات اخلاقی وضع کردند تا چنین بحرانی و بحران‌های هویتی دیگر را جبران کنند و آمدند (exist یعنی اخلاقیات و مجردات فرا مادی) به سوسیالیست اضافه کردند و شد اگزیستانسیالیسم.

- در اسلام به دلیل اینکه یکی از آموزه‌های اسلام این است که تو در ازای دادن جان در جنگ به شهادتی میرسی که دارای چنان والامقام و چنان اجر و قربی است که حد ندارد؛

لذا با این تئوری فرد نه تنها از مرگ فرار نمی‌کند بلکه با میل به استقبال شهادت می‌رود.

- در غرب به دلیل نگاه مسیحیت در برخی جاهایش با توجیه دینی دارند شهید را اسطوره‌سازی می‌کنند و با سینما هالیوود اخیراً سعی شده فداکاری برای دیگران را الگوسازی شود مثلاً در فیلمی فردی را نشان می‌دهند که دستش قطع شده ولی همچنان دارد به جنگ می‌پردازد و زیبای استقامت را نشان می‌دهند.

مقایسه‌ی ساختار حکومتی در چند کشور از جهان از کشورهای اسلامی و غربی :

با توجه به اینکه معنای لیبرالیسم و دموکراسی را می‌دانیم به دلیل تنوع ساختار در کشورهای اسلامی و غربی برای این قسمت ، چند نمونه از این ساختارها را بررسی می‌کنیم :

بررسی دموکراسی در کشورها :

- ساختار حکومتی انگلیس :

همچنان نظام پادشاهی است و نمایندگان مجلس نخست‌وزیر را انتخاب می‌کنند. و نخست‌وزیر نماینده حزبی است که بیشترین رأی مردمی را در مجلس دارد. و ملکه ی انگلیس نقش شاه را دارد.

نقد و بررسی نظام انتخاباتی انگلیس :

خیلی‌ها خیال می‌کنند که ملکه‌ی انگلیس یک گوشه‌ای نشسته و کاری به کار سیاست ندارد در صورتی که یک زمان اختلاف بین ملکه و نخست‌وزیر انگلیس یعنی خانم تاچر باعث شد تا تاچر استعفا دهد. (اگر واقعاً نقشی ندارد چرا تا این حد اثر گذار بوده این را باید از ...)

- ساختار انتخاب ریاست جمهوری فرانسه :

رئیس جمهور فرانسه با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود و فردی که بتواند بیش از نیمی از آرای مردم (۵۰ درصد + ۱) رئیس جمهور می شود.

نقد و بررسی دموکراسی :

شاید مردم احساساتی شوند و بخواهند احساساتی به کسی رأی دهند که واقعا به مصلحتشان نباشد.

در مواردی فردی با تبلیغات مردم را اغوا می کند که به او رأی دهند ولی پس از انتخاب قول های داده شده را فراموش می کند. لذا در این نوع انتخاب چن مردم نگاه درست سیاسی ندارند براحتی می شود با تبلیغات با زرق و برق و دروغین رأی آنها را کسب کرد.

- ساختار انتخاب ریاست جمهوری آمریکا :

در آمریکا بر اساس آرای الکترال رأی گیری می شود و مردم به طور غیر مستقیم رئیس جمهور آمریکا را تعیین می کنند.

یک جوری شبیه انتخاب رهبری در ایران است که مردم ابتدا خبرگانی را تعیین می کنند و بعد این خبرگان یک نفر را به عنوان اداره کننده جامعه انتخاب می کنند.

با این تفاوت و توضیح که در هر ایالت ابتدا نخبگانی متناسب با جمعیت از بین مردم تعیین شده و بعد مردم آمریکا در انتخابات عملاً بین دو نفر کاندید ریاست جمهوری که از یکی از حزب دموکرات و دیگری که از حزب جمهوری خواه است را انتخاب می کنند. (مانند نظر سنجی) .

بعد نخبگان هر ایالت می بینند که مردم آن ایالت بیشتر به چه کسی رأی داده اند و همه ی نخبگان آن ایالت رأی خود را به آن فرد می دهند. مجموع آرای الکترا ل (نخبگان) ۵۴۰ عدد است که هر فردی بتواند ۱+۲۷۰ رأی را کسب کند رئیس جمهوری آمریکا می شود.

- البته دلیل انتخاب چنین روشی در انتخابات برای این است که جلوی رأی احساساتی مردم گرفته شود و مصلحت واقعی لحاظ شود.

- در نظام آمریکا رئیس جمهور آمریکا دارای حق وتو است یعنی می توانند رأی نمایندگان مردم را لغو کند و بگوید من رأی نمایندگان مردم را به مصلحت ندیدم. اگر دوباره دو سوم نمایندگان به همان طرح رأی دهند وتوی رئیس جمهور بی اثر می شود.

نقد و بررسی نظام انتخاباتی آمریکا :

ممکن است فردی رئیس جمهور شود که نماینده رأی اکثر مردم نیست مثلاً زمان جرج بوش پسر در دور اول ریاست جمهوری جرج بوش پسر با ۳۱ درصد آرای رئیس جمهور کشور شد یا زمان انتخاب ترامپ. در انتخابات ۲۰۱۶ ترامپ از نظر رأی مردم دو میلیون رأی مردمی کمتر از کلینتون آورد ولی آرای الکترا ل او بیشتر بود پس به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد یعنی رئیس جمهور اغلب رأی مردم نبوده است.

لذا نظام ریاست جمهوری در ایران و فرانسه به دموکراسی نزدیک تر است تا نظام انتخاب رئیس جمهور آمریکا .

- در نظام ایران هم رهبری دارای حکم حکومتی است ولی متأسفانه می بینیم برخی رهبری را به خاطر داشتن حکم حکومتی به دیکتاتوری متهم می کنند و در حالی که در خود آمریکا، رئیس جمهورش دارای حق وتو است و می تواند مصوبه مجلس نمایندگان را وتو کند.

همچنین آمریکایی ها در شورای امنیت سازمان ملل هم دارای حق وتو اند.

- در نظام آمریکا اگر دو سوم نمایندگان به طرحی رأی بدهند حق وتوی رئیس جمهور آمریکا بی اثر میشود.

یک سؤال پیش می‌آید که اگر شما بخاطر مصلحت، به فرد حکم وتو دادید چرا این حق را از او گرفتید؟!

می‌گویند ممکن است رئیس جمهور بخواهد دیکتاتوری کند، اگر رئیس جمهور طبق توجیه قانون وتو، حق تشخیص مصلحت را در بالاتر از سطح نمایندگان دارد، گرفتن آن دیگر بی-معناست!

سؤال دیگر: شاید نمایندگان حزب دست به دست هم بدهند و بخواهند بخاطر منافع خود وتوی رئیس جمهور را لغو کنند اینجا است که می‌گویند چاره‌ای نیست! و دیگر رئیس جمهور نمی‌تواند کاری کرد ولو اینکه مصلحت ایجاد میکرد که قانون نمایندگان را وتو کند.

- ولی در ایران وقتی حکم حکومتی را دادند چون رهبری را فراتر از جناح‌ها و منافع فردی می‌دانند تمکین در برابر حکم رهبری می‌کنند. چرا که اگر فقیه عادل باید حاکم باشد وقتی عادل است دیگر دیکتاتور نیست.

چگونگی و چرایی نظام انتخاب رهبری در اسلام و انتخاب ریاست جمهوری در ایران:

- انتخابات رهبری:

مردم ابتدا خبرگان رهبری را تعیین می‌کنند و سپس خبرگان مردم، رهبر را تعیین می‌کنند. رهبری که انتخاب شده تا زمانی که کفایت رهبری را داشته باشد رهبر است و در هر لحظه‌ای که این کفایت را از دست بدهد تعویض می‌شود ولی این طور نیست که احساساتی عوض شود یا در هر دوره خبرگان رهبری به رأی گذاشته شود و لذا کاملاً بر اساس مصلحت تعیین می‌شود. (البته به نمایندگان مردم هم مربوط می‌شود).

- انتخابات ریاست جمهوری:

مردم به صورت مستقیم رئیس جمهور را تعیین می کنند و هر کسی تعداد رأی بیشتری از مردم (تعداد ۵۰ درصد + ۱ را) کسب کند، رئیس جمهور است. لذا انتخابات ریاست جمهوری در ایران نسبت به آمریکا به دموکراسی نزدیکتر است.

نقد نظام انتخاباتی :

همان نقدی که بر دموکراسی هست در اینجا هم است.

بررسی نظام لیبرالیستی :

لیبرالیسم به معنای آزادی مطلق است .

با این اندیشه‌ی لیبرالیسم، هرج و مرج در جامعه رواج پیدا می کند لذا در غرب آمدند بر آزادی قیدهای زیر را زدند :

- آزادی تا زمانی که به آزادی دیگران ضربه نزند.

- آزادی که اغلب مردم جامعه خواهان آن باشند و آزادی بقیه غیر از اکثر مورد پذیرش نیست.

یعنی بر آزادی قید دموکراسی زدند.

پس در غرب هم آزادی مطلق نداریم.

- ضعف دیگر نظام لیبرالیستی در این است که مبنای ارزش یک چیز را به نظر اکثریت مردم منوط می داند یعنی یک چیز زمانی خوب است که اکثر مردم بگویند خوب است و یک چیز زمانی بد است که مردم بگویند بد است لذا همجنس گرایی خوب است چون مردم می گویند خوب است.

پیوست :

✓ کانال رسمی استاد رائفی پور و موسسه مضاف

تسهیلات ویژه دولت آلمان برای تشویق خانواده ها به فرزندآوری!

❖ دولت فدرال آلمان در قبال تولد هر کودک به خانواده‌های آلمانی از ۱۹۰ تا ۲۲۱ یورو در ماه پرداخت می‌کند.

❖ این کمک هزینه تا سن ۱۸ سالگی ادامه دارد، البته در صورت ادامه تحصیل فرزندان تا سن ۲۵ سالگی نیز می‌تواند ادامه می‌یابد.

❖ البته دریافت این کمک هزینه در صورتی ادامه می‌یابد که فرزندان به کاروری یا کار پاره وقت یا دائم اشتغال نداشته باشند که در این صورت این کمک هزینه قطع می‌شود؛ یعنی اگر در ازای کاری که انجام می‌دهند وجهی دریافت کنند کمک هزینه دولتی قطع خواهد شد.

❖ بعد از تولد فرزند، والدین می‌توانند از ۱۴ ماه مرخصی بهره‌مند شوند، یا یکی از والدین از این ۱۴ ماه استفاده می‌کند و یا هر دو نفر، این زمان را به شکلی که مطلوبشان باشد بین خودشان تقسیم می‌کنند.

❖ در زمان استفاده والدین از مرخصی، دولت ۶۵ درصد حقوق فردی که در مرخصی به سر می‌برد را به وی می‌پردازد.

❖ دولت تا ۲ سال مبلغ ۳۰۰ یورو در ماه به خانواده‌ها تحت عنوان هزینه بزرگ کردن نوزاد می‌پردازد.

❖ به ازای فرزند اول ۱۹۰ یورو، برای فرزند دوم ۱۹۶ یورو و برای فرزند سوم و بیشتر ۲۲۱ یورو کمک هزینه در ماه برای خانواده‌ها در نظر گرفته شده است.

❖ برای فرزندان والدینی که کارمند دولت محسوب می‌شوند مبلغ ۱۰۰ یورو نیز به کمک هزینه قبلی افزوده می‌شود؛

❖ یعنی اگر خانواده‌ای با یک فرزند را در نظر بگیریم، دولت به این خانواده ۱۹۰+۱۰۰ یورو در ماه کمک هزینه اعطا می‌کند.

❖ اداره مالیات دولت فدرال آلمان بر اساس شماره شناسایی مالیاتی کودک این وجه را به شماره حساب کودک واریز می کند تا خانواده ها از آن برای مخارج وی در دوران نوزادی تا نوجوانی و جوانی استفاده کنند.

❖ یک جوان ۲۱ ساله که در حال حاضر این کمک هزینه را دریافت می کند می گوید: از آنجایی که پدر من کارمند دولت است کمک هزینه ای که در ماه میگیرم نزدیک ۳۰۰ یورو است و این مبلغ برای تمامی مخارج من در ماه کافی است.